

### متن پرسش

با سلام استاد: ۱. اگر شخصی مهمان ما شود که به هر نحوی ما مجبور به تکریم او باشیم هر چند با ما اختلاف عقیده داشته باشد یا نمی‌دانم ممکن باشد تکریم او جایز نباشد اما ما مجبور به حفظ ظاهر و مدارا باشیم حتی با اینکه سخن هایش ضد حکومت، دین و غیبت باشد این اجازه را داریم که در آن جلسه بنشینیم؟ چقدر حدود نشستن ما در آن جلسه باشد که هم دینمان به خطر نیفتد و هم دنیايمان از این سخت تر نشود؟ و اگر سوالاتی از ما بپرسد که ممکن باشد کسی از پاسخ ما برنجد ولی پاسخ ندادن به آن شخص هم مقدور نباشد بهترین کار چیست؟ گاهی حتی گفتن حقیقت هم آسیب رسان است اما سکوت هم... جایی را در نظر بگیرید که حتی از معذرت می‌خوام دستش...یی رفتن ما هم داستانها ساخته اند. ۲. در رفتن به مهمانی‌ها چطور اگر ما نتوانیم در مقابل اراده جمع به دلایلی بایستیم و بدانیم مثلا اگر عروسی است موسیقی حرام و رقص دارد و طولانی در آن می‌ماند و یا جلسات مهمانی شب نشینی یا طولانی یا پر از غیبت و... است، و وظیفه ما در آن زمان مثلا مطالعه می‌باشد اما مجبور به حضور در آنجا شویم، حکم برای ما چیست؟ آیا ذکر هست که خود را مشغول به آن کنیم؟ یا کاری هست که بتوانیم انجام بدهیم؟ ۳. در مقابل جاهلی که به دلایل ظاهرا درست ولی باطنا معیوب قصد آسیب زدن به ما را دارد چه رفتاری صحیح است؟ تا چه حد مجاز به سکوتیم؟ ۴. در مورد برخورد در مهمانی‌ها ونحوه ارتباطات با توجه به شرایط خیلی دوست دارم بیشتر بدانم آیا منبعی در سایت برای این امر وجود دارد؟ یا نصیحتی دارید که به من لطف فرموده و ارائه دهید؟ البته من پرسش‌های سایت را تا حدودی بررسی کرده ام ولی چون مقتضای شرایط افراد با هم متفاوت است مزاحمتان شدم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر کدام از موضوعاتی که فرمودید در جای خود بحثی جداگانه دارد. در مورد میهمان داریم: «أَكْرِمِ الضَّيْفَ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا» زیرا احترام به او موجب می‌شود تا او در دل خود نسبت به ما و عقاید ما نرم شود. آری! ما با جدال به جایی نمی‌رسیم سعی کنید در این موارد موضوع را عوض کنید. بحث مدارا، رویهمرفته مهم است که روایات آن ذیلاً خدمتتان تقدیم می‌شود. در عروسی‌ها تا آنجا که می‌شود موسیقی و رقص زن برای زن را بنا به فتوای بعضی از مراجع حمل بر حلیت بکنید مگر آن که اختلاط زن و مرد در میان باشد که باید چنین جلسه‌ای را ترک کرد. موفق باشید

فرهنگ «مدارا» که در متون دینی و روایات بر آن تأکید می‌شود، حکایت از آن دارد که انسان‌ها می‌توانند با حضور در سنتی خاص و تاریخی معین به فهمی نائل شوند که محصول و برآیند گفت‌وگوی طرفین است،

بدون آن که نتیجه نهایی گفت‌وگو از قبل قابل پیش‌بینی باشد. بلکه رابطه‌ای دیالکتیکی در میان است و از این جهت گفته می‌شود «فهم»، یک رخداد است که به گفته جناب گادامر با ادغام افق‌ها پیش می‌آید.

معلوم است که در سنت مدارای مدّ نظر دین، هرکدام از افراد افق‌هایی را مدّ نظر دارند که آن مدارا از سنت و تاریخی که افراد در آن هستند شکل گرفته و در بستر گفت‌وگویی که پیش می‌آید «فهم» رخ می‌دهد و بدین لحاظ فهم، امری است تاریخی و همواره رو به جلو.

با توجه به این امر نظر می‌کنیم به روایات وارد شده از طریق رسول خدا «ص» و ائمه معصومین «ع».

روایت شده که خداوند تبارک و تعالی به رسول گرامیش «ص» وحی نمود؛ همچنان که در برابر فرائض و واجبات مسئولیت داری و نسبت به آن‌ها مؤاخذه می‌شوی، در باره مدارا کردن با مردم مؤاخذه خواهی شد. (بحار الأنوار، ج 68، ص: 90)

رسول خدا «ص» فرمودند: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ» (الکافی، ج 2، ص 117). مدارا با مردم نیمی از ایمان است و نرمش با آن‌ها نیمی از زندگانی. این بدان معنا است که باید اندازه فهم مردم را از دین و وظایف دینی رعایت کرد.

رسول خدا «ص» می‌فرمایند: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ - مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقٍّ وَ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ خَفَةُ لِحْيَتِهِ» ریشه خرد پس از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم است در غیر ترک حق، و از خوشبختی مرد است کمی نزاع و جنگ.

از حضرت باقر «ع» هست که: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ فُقْلًا وَ فُقْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ» برای هر چیزی قفلی است، و قفل ایمان نرمش است. و یا می‌فرمایند: «مَنْ قُسِمَ لَهُ الرَّفْقُ قُسِمَ لَهُ الْإِيمَانُ» هر که را نرمش بهره دادند، برای او بهره‌ای از ایمان را مقرر کرده‌اند.

از حضرت صادق «ع» هست که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَفِيقٌ يُجِبُّ الرَّفْقَ فَمَنْ رَفِقَ بِعِبَادِهِ تَسَلَّيْلُهُ أَضْعَافُهُمْ». (اصول کافی، ترجمه کمرهای، ج 4، ص: 359) به راستی خدا تبارک و تعالی اهل نرمش است نرمش را دوست دارد و از نرمش او با بنده‌ها است که کینه‌ها را از سینه‌های آن‌ها در کشد. مسلم یکی از موارد رفق با مردم همان است که انتظار نداشته باشیم همه آن‌طور که ما دین را می‌فهمیم آن‌ها هم به همان صورت بفهمند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»: «الرَّفْقُ يُمْنٌ وَ الْحُرْقُ سُؤْمٌ» نرمش میمنت دارد و سخت‌گیری شوم است. و همچنان حضرت می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوَصَّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا رَأَتْهُ وَ لَا تُزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا سَأَتْهُ» نرمی روی هر چه گذاشته شد، آن را زینت داد و از هر چه برداشته شد، زشتش ساخت. پس در واقع با رفق و مدارا بهتر می‌توان افراد را با خود همراه کرد و نسبت به آنچه حق می‌دانیم وارد نمود.

پیامبر خدا «ص» می‌فرمایند: «إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَهَ وَ مَنْ يُحْرِمِ الرَّفْقَ يُحْرِمِ الْخَيْرَ» در نرمی، زیادی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد از خیر محروم گشت. این نشان می‌دهد اگر علامه دهر هم باشیم ولی اهل مدارا نباشیم برکتی برای خود و دیگران نداریم.

امام صادق «ع» فرمودند: «مَا زُوِيَ الرَّفْقُ عَنْ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا زُوِيَ عَنْهُمْ الْخَيْرُ» از هر خاندانی که نرمی دور شد، خیر از آن‌ها دور گشت. (الکافی، ج 2، ص: 119) و رسول خدا «ص» می‌فرمایند: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْقَرَائِصِ» خداوند به همان‌گونه‌ای که به من در مورد واجبات امر کرده، در مورد مدارا با مردم نیز امر فرموده. زیرا در چنین فضایی است که انسان‌ها احساس می‌کنند می‌توانند وارد تاریخی شوند که با انقلاب اسلامی شروع شده و انقلابیون به آن‌ها سخت‌گیری نمی‌کنند.

